



ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابداری با معیارهای عملکرد شرکت‌ها

دکتر بهداد خوئینی^۱

استادیار موسسه‌ی آموزش عالی پرندک، دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه سمنان، ایران

محسن فقیه^۲

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه مازندران، ایران

مهرداد شفیعی^۳

کارشناس ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی پرندک، ایران

(تاریخ دریافت: ۳۰ فروردین ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ تیر ۱۳۹۵)

کمیته حسابداری یکی از سازوکارهای راهبری شرکتی است که شواهد اندکی در رابطه با نقش و ویژگی‌های آن در ارزیابی عملکرد واحدهای تجاری وجود دارد. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابداری و معیارهای عملکرد شرکت‌ها می‌باشد. بر این اساس، اطلاعات مربوط به ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۳ به روش مقطعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین ویژگی‌های کمیته حسابداری شامل استقلال و تخصص حسابداری اعضای آن با معیارهای عملکرد شامل نرخ بازده دارایی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین ارتباط معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابداری، تخصص حسابداری، استقلال کمیته حسابداری، معیارهای عملکرد.

¹khbehdad48@yahoo.com

²mohsen.faghih65@yahoo.com

³mehrdad.shafiee123@gmail.com

© (نویسنده مسئول)

مقدمه

ارزیابی عملکرد واحدهای تجاری باتوجه به سازوکارهای نظارتی و کنترلی از جمله موضوعاتی بوده که کمتر به بحث گرفته شده است. درحالی که نمی توان اهمیت فقدان سازوکارهای مزبور را نسبت به ارزیابی عملکرد شرکت هایی که در رسوایی های مالی آغاز هزاره سوم نقش داشته اند، نادیده گرفت. بازنگری ادبیات پژوهش نشان می دهد که عملکرد شرکت ها تحت تاثیر عوامل سیاسی [۱۸]، عوامل اقتصادی مانند تورم [۳۳]، معیارهای مالی و حسابداری [۲۷] و سازوکارهای کنترلی و نظارتی مثل راهبری شرکتی [۳۵] قرار می گیرد. از بین عوامل مزبور احتمال می رود که استقرار سازوکارهای نظارتی و کنترلی بتواند حساسیت ها و نگرانی هایی که سرمایه گذاران نسبت به عملکرد شرکت به ویژه بعد از رسوایی های مالی دارند، را کاهش دهد. به طوری که، بلک (۲۰۰۶) استقرار راهبری شرکتی را یکی از سازوکارهای نظارتی در واحدهای تجاری قلمداد نمود که در ارزیابی عملکرد توسط ذینفعان نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند [۱۹]. علاوه بر این، عثمان و همکاران (۲۰۱۴) نیز معتقدند که چنین ساختاری می تواند عملکرد شرکت ها را بهبود داده و بر کیفیت اطلاعات ارایه شده توسط مدیران بیافزاید [۳۸]. اگرچه سازوکارهای راهبری شرکتی بسیار گسترده است (کنترل داخلی، اخلاق سازمانی، نظارت قانونی، حسابرسی مستقل، مدیریت غیراجرایی و غیره) اما در این پژوهش، ارتباط ویژگی های کمیته حسابرسی بعنوان یکی از سازوکارهایی که دست کم در ارزیابی عملکرد، شواهد اندکی درباره آن وجود دارد، بررسی می کند. بنابراین هدف این پژوهش بررسی ارتباط تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت ها می باشد.

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته های فرعی هیات مدیره می باشد که از میان مدیران مستقل و غیرموظف با هدف افزایش منافع سهامداران و همچنین کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تشکیل می شود [۴] [۳۱]. بازنگری ادبیات حسابداری و مالی نشان می دهد، علاوه بر این که کمیته حسابرسی یکی از اساسی ترین سازوکارهای راهبری شرکتی می باشد، بهترین گزینه نیز برای دستیابی به اهداف سازمانی از سوی ارکان نظارتی واحدهای تجاری است [۲۳]. کارامانو و وافیز (۲۰۰۵) کمیته حسابرسی را یکی از عناصر اصلی تصمیم گیری در واحدهای تجاری تلقی نموده اند که این امر افزون بر جلب اعتماد سهامداران، ممکن است ارزش شرکت و در نهایت ثروت سهامداران را افزایش دهد [۳۰]. اما آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که ایفای نقش کمیته حسابرسی به نحو مطلوب، مستلزم ترکیب مناسبی از ویژگی هایایی است که اعضای این کمیته باید از آنها برخوردار باشند [۱۳]. به همین جهت بوده است که ابوت و همکاران (۲۰۱۰) بیان نموده اند که تنوع در ترکیب کمیته حسابرسی به لحاظ داشتن تجربه های مالی و غیر مالی متفاوت، منجر به افزایش کارایی این کمیته می شود [۱۰]. مرور ادبیات پژوهش نشان می دهد که ویژگی های کمیته حسابرسی موجب هدفمند نمودن پرداخت هایی مانند تقسیم سود [۲۲]، تسهیل کار حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل [۳۶] [۱۱]، افزایش ارزش شرکت [۲۵]، بهبود کیفیت گزارشگری مالی [۳۳]، کاهش مدیریت سود [۲۴]، افزایش دقت و کاهش نوسان سود پیش بینی شده

مدیریت [۱۲]، بهبود کیفیت افشاء [۳۸] و ... می‌شود.^۱ برآیند نتایج پژوهش‌های مزبور نشان می‌دهد که شناخت ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تخصص مالی - حسابداری، دوره تصدی اعضا و تعداد جلسات این کمیته باعث می‌شود تا آرایه صورت‌های مالی به نحو مطلوب‌تری صورت گرفته که این امر می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها بیافزاید. همچنین از آنجایی که شواهد اندکی درباره ارتباط ویژگی‌های کمیته حسابرسی به‌ویژه تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با معیارهای عملکرد وجود دارد و در کشور ما نیز تشکیل کمیته حسابرسی از سال ۱۳۹۱ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران الزامی شده است [۷]، ضرورت دارد تا ارتباط این ویژگی‌ها با عملکرد شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی ارتباط ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی بر معیارهای عملکرد شرکت‌ها می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

کمیته حسابرسی

همانگونه که اشاره شد، بهبود اثربخشی کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها مزایای زیادی در بر دارد و به طور غیر مستقیم باعث بهبود کیفیت گزارش‌های مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌شود [۹]. کمیته حسابرسی یکی از سازوکارهای راهبردی شرکتی است که به پارادایم جدیدی در نحوه اداره، کنترل و نظارت امور واحدهای تجاری تبدیل شده است. این کمیته بطور مستقیم تحت نظر هیئت مدیره شرکت‌ها تشکیل و اداره شده و شامل حداقل سه عضو غیرموظف بوده که در راستای تضمین و افزایش منافع سهامداران با هدف کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و سایر ذینفعان تشکیل می‌شود [۴]. بنابراین می‌توان پشتوانه نظری تشکیل کمیته حسابرسی را تئوری نمایندگی و تئوری ذینفعان قلمداد نمود. بر مبنای تئوری نمایندگی، تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سوءاستفاده از آن که منجر به ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شود، منجر به ارائه اطلاعات گمراه‌کننده به سهامداران شده که این امر در بلندمدت باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود. بر این اساس کمیته حسابرسی می‌تواند مانع از بروز هزینه‌ها و مسائل نمایندگی گردد. از سوی دیگر می‌توان کمیته حسابرسی را بخش بسیار مهمی از حاکمیت، پاسخگویی و شفاف‌سازی تعریف نمود که در چارچوب تئوری ذینفعان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بازنگری ادبیات حسابداری و مالی نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی منجر به تسهیل انتخاب حسابرس مستقل، بهبود فرایند حسابرسی، درک شناخت ضعف‌های سیستم کنترل داخلی، مدیریت ریسک، قابلیت اعتماد گزارشگری و ... می‌شود. علاوه بر این، آبرناتی و همکاران (۲۰۱۳) کمیته حسابرسی را بهترین روش برای بهبود و پیشرفت حاکمیت و مدیریت مالی سازمانی تلقی نموده که باعث می‌شود کیفیت حسابرسی، ساختار کنترل داخلی و دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت بهبود یابد [۱۲]. یکی دیگر از پیامدهای وجود کمیته حسابرسی که در ادبیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، اعتباردهی صورت‌های مالی است. آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که

۱. این پژوهش‌ها نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده بوده و ممکن است همه آنها را شامل نشود.

کمیته حسابرسی می‌تواند به افزایش اعتباردهی و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی منجر گردد [۱۳]، که این یافته با وظایف اولیه کمیته حسابرسی (شامل تعیین خط‌مشی‌های حسابداری، ارزیابی رویه‌ها و برآوردهای حسابداری، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و ...) که توسط کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC^۱) و کمیته بلوریون (۱۹۹۹) تعیین شده است، مطابقت دارد [۲۰]. با این وجود، یکی از موضوعاتی که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری بوده است، اثربخشی کمیته‌های حسابرسی می‌باشد. به طوری که آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) ایفای نقش مطلوب کمیته حسابرسی را مستلزم ترکیب مناسبی از ویژگی‌های مانند استقلال، اندازه، تخصص مالی-حسابداری، تجربه، تعداد جلسه‌های طی سال و ... قلمداد نموده‌اند که اعضای این کمیته باید از آنها برخوردار باشند [۱۳]. که در ادامه دو ویژگی کیفی تخصص مالی و استقلال اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تخصص مالی کمیته حسابرسی

یکی از ویژگی‌هایی که در ادبیات کمیته حسابرسی بسیار مورد توجه قرار گرفته است، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. اما تعریف این ویژگی از کمیته حسابرسی در ادبیات پژوهشی حاکی از وجود دو دیدگاه متفاوت می‌باشد که عبارتند از دیدگاه محدود و دیدگاه گسترده. طرفداران دیدگاه محدود، تخصص مالی کمیته حسابرسی را معطوف به سطح تحصیلات و تجربه کاری فقط در حسابداری و حسابرسی تلقی می‌کنند. یعنی در این دیدگاه باید بین تخصص حسابداری و غیرحسابداری اعضای کمیته حسابرسی تفاوت قائل شد [۱۳]. برآیند نتایج پژوهش‌هایی که براساس این دیدگاه صورت گرفته‌اند، تقریباً همسو با هم بوده‌اند. دیفوند و همکاران (۲۰۰۵) بیان نموده‌اند که بازده بازار شرکت‌ها، تحت تاثیر انتصاب افراد با تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی قرار می‌گیرد اما با میزان تخصص مدیریت مالی در این کمیته واکنش نشان نداد [۲۵]. همچنین کریشنان و سیواناتان (۲۰۰۸) معتقدند وجود اعضای با تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی می‌تواند به‌عنوان عاملی تلقی شود که محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد [۳۴]. دالیوال (۲۰۱۰) نیز نشان داد که هرچه میزان تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی بیشتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی افزایش می‌یابد [۲۶]. علاوه بر این، آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) افزایش تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی را با افزایش قیمت سهام واحدهای تجاری مرتبط نموده‌اند [۱۳]. بنابراین از پژوهش‌های مزبور می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بازار ممکن است نسبت به حضور افراد با تخصص حسابداری و غیرحسابداری در کمیته حسابرسی واکنش نشان دهد. در مقابل، طرفداران دیدگاه گسترده تخصص مالی کمیته حسابرسی معتقدند افرادی که از سابقه اجرایی یا مدیرعاملی نیز برخوردار هستند و در رشته‌هایی غیر از حسابداری و حسابرسی تحصیل نموده‌اند، جزو افراد با تخصص مالی کمیته حسابرسی قلمداد می‌شوند که این دیدگاه با تعریف ارائه شده از SEC در رابطه با تخصص مالی کمیته حسابرسی مطابقت دارد. به بیان دیگر در

¹Securities and Exchange Commission

دیدگاه گسترده، تخصص مالی دربرگیرنده تخصص حسابداری، حسابرسی و همچنین کسانی که بر تهیه صورتهای مالی نظارت و سرپرستی داشته‌اند نیز می‌باشد [۱۲]. اگرچه نتایج پژوهش‌های مرتبط با دیدگاه محدود تخصص مالی کمیته حسابرسی تقریباً همسو با هم بوده‌اند اما در رابطه با دیدگاه گسترده نتایج اینگونه نبوده است. به عنوان نمونه، اگرچه بعضی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش ارائه مجدد صورتهای مالی [۱۱]، همچنین کاهش احتمال وقوع اشتباه و تقلب [۲۸] در گزارشگری مالی می‌شود اما اندرسون و همکاران (۲۰۰۴) این ویژگی کمیته حسابرسی را به عنوان عامل کاهش هزینه بدهی قلمداد نموده‌اند [۱۲]. همچنین کارسلو و همکاران (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ارتباطی با هزینه‌های تولید غیرعادی به عنوان معیاری از مدیریت سود واقعی ندارد [۲۴]. ممکن است دلیل تناقض نتایج مزبور با این دیدگاه از لیونینگسون (۲۰۰۳) که اظهار می‌دارد تخصص مالی به صرف مسئولیت در رده‌های مدیریتی حاصل نمی‌شود، همسو باشد [۱۲].

استقلال کمیته حسابرسی:

یکی دیگر از ویژگی‌های کمیته حسابرسی که از آن به عنوان سنگ‌بنای اثربخشی این کمیته یاد می‌شود، استقلال اعضای کمیته حسابرسی است [۱۲]. جوزف و همکاران (۲۰۰۳) استقلال کمیته حسابرسی را اغلب به عنوان ویژگی ضروری و تاثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرایند نظارت و ارائه گزارشگری مالی تلقی نموده‌اند و معتقدند که استقلال کمیته حسابرسی با افشای وضعیت مالی شرکت‌هایی که با بحران مالی روبرو هستند ارتباط دارد [۲۹]. همچنین کلین (۲۰۰۲) معتقد است که کمیته حسابرسی می‌تواند فرصت‌های رشد شرکت‌ها را افزایش و زیان واحدهای تجاری را کاهش دهد. استدلال او این بود که وجود مدیران مستقل در کمیته حسابرسی سطح اقدام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد [۳۲]. از سوی دیگر آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که کمیته حسابرسی مستقل ممکن است عملکرد مطلوبی در توسعه استراتژی‌ها و کاهش ریسک شرکت از خود بروز ندهد [۱۳].

پیشینه پژوهش:

آرچامبلت و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط کمیته حسابرسی، محرک‌های پاداش و تجدید آرایه ارقام حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که حضور افراد متخصص مالی در کمیته حسابرسی احتمال تقلب در شرکت را کاهش می‌دهد و در نتیجه موجب بهبود عملکرد شرکت می‌گردد [۱۷].

بوعزیز (۲۰۱۲) تاثیر کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی شرکت‌های تونس را مورد مطالعه قرار داده و چنین نتیجه‌گیری نمود که اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر عملکرد مالی شرکت‌ها تاثیر مثبت دارد [۲۱]. همچنین در پژوهش مشابه دیگری، واکابا (۲۰۱۴) نشان داد که تجربه، تنوع جنسیتی، اندازه کمیته حسابرسی منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها می‌شود [۳۹]. عامر و همکاران (۲۰۱۴) نیز که به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار مصر پرداختند، و نشان دادند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه، تخصص مالی،

استقلال و تعداد جلسات کمیته حسابرسی با عملکرد مالی شرکت های عضو بورس اوراق بهادار مصر رابطه معنادار و مستقیم دارد [۱۶]. آبرناتی و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابرسی و به موقع بودن صورت های مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که تخصص مالی کمیته حسابرسی با به موقع بودن گزارشگری مالی در ارتباط است و همچنین ویژگی های شخصیتی اعضای کمیته حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی را تحت تاثیر قرار می دهد [۱۳]. کامل مادی و همکاران (۲۰۱۴) موضوع تاثیر ویژگی های کمیته حسابرسی در افشای داوطلبانه شرکت های بزرگ را مورد تحقیق قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که استقلال، اندازه، تخصص مالی و تعداد جلسات کمیته حسابرسی با افشای داوطلبانه شرکت ها رابطه دارد [۳۴]. آلزبان و ساوان (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط ویژگی های کمیته حسابرسی در اجرای دستورالعمل های حسابرسی داخلی پرداختند. آنها چنین نتیجه گیری نموده اند که حضور اعضای مستقل و با تخصص حسابداری و حسابرسی، درک و اجرای دستورالعمل های حسابرسی داخلی را تحت تاثیر قرار می دهد همچنین اجرای چنین دستورالعمل هایی با تعداد جلسات کمیته حسابرسی و حسابرسیان داخلی ارشد بهبود می یابد [۱۵].

مرور پژوهش های داخلی نشان می دهد با وجود اینکه طبق ماده ۱۰ سازمان بورس اوراق بهادار تشکیل کمیته حسابرسی از سال ۱۳۹۱ برای همه شرکت های عضو آن الزامی شده است، اما پژوهش های اندکی درباره ویژگی های این کمیته با موضوعات مالی شرکت ها صورت گرفته است که در ادامه به پژوهش هایی که تا حدودی با موضوع پژوهش ارتباط دارند، اشاره می شود.

بنی فاطمه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به ارزیابی نقش کمیته های حسابرسی داخلی در بهبود عملکرد و وضعیت مالی شرکت ایدم پرداختند و نتایج بررسی های آنان نشان داد که کمیته های حسابرسی داخلی بر بهبود عملکرد مالی تاثیر دارد [۳].

فخاری و همکاران (۱۳۹۴) موضوع بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی را مورد بررسی قرار دادند و یافته های آنان نشان داد که رابطه معنی داری بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد [۸].

رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر ویژگی های کمیته ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق پرداختند، آنها ویژگی های استقلال، تخصص، تعداد جلسات و اندازه ی کمیته را مورد بررسی قرار دارند و نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که تنها دو ویژگی استقلال کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته بر افشای داوطلبانه اخلاق تاثیر می گذارد [۶].

جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده را مورد تحقیق قرار دادند و نتایج آنان نشان داد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش بینی سود رابطه مثبت دارد همچنین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش بینی های سود ارتباطی منفی دارد [۵].

فرضیه‌های پژوهش

مستند به پیشینه نظری و تجربی پژوهش، می‌توان گفت که ویژگی‌های کمیته حسابرسی با معیارهای عملکرد شرکت‌ها رابطه دارند. براین اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر قابل طرح است:

فرضیه اول: بین تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی و نرخ بازده دارایی‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال کمیته حسابرسی و نرخ بازده دارایی‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین استقلال کمیته حسابرسی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی و نسبت کیوتوبین رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین استقلال کمیته حسابرسی و نسبت کیوتوبین رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، ماهیت و نوع داده‌ها به ترتیب کاربردی، توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیون و مقطعی است. پژوهش کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. در پژوهش‌های توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیون، متغیر(های) وابسته توسط متغیر(های) مستقل پیش‌بینی می‌شود. داده‌های مورد نیاز از لوح فشرده شرکت تدبیرپرداز، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و گزارش‌های ارایه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شده و برای تجزیه و تحلیل آن از نرم‌افزارهای Excel و Eviews7 استفاده شده است. ۹۱ نمونه آماری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۱ با توجه به معیارهای زیر انتخاب شده‌اند: چون اطلاعات مربوط به شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی دربرگیرنده داده‌های سایر شرکت‌هاست، از نمونه حذف گردیده‌اند. به جهت قابل مقایسه بودن و همچنین همگنی و تعمیم نتایج، سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه باشد. اطلاعات مورد نیاز برای سنجش متغیرها بویژه ویژگی‌های کمیته حسابرسی از سال ۱۳۹۱ در دسترس باشند.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرها

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل تعدیل شده آمر و همکاران (۲۰۱۴) استفاده می‌شود [۱۶]:

رابطه (۱)

$$ROA_{i,t} = +_1 Audacex_{i,t} + +_2 Audind_{i,t} + +_3 SIZE_{i,t} + +_4 Debt_{i,t} + +_5 Loss_{i,t} + +_6 Bdind_{i,t} + +_7 Iown_{i,t} + +_8 Mown_{i,t} +$$

رابطه (۲)

$$ROE_{i,t} = +_1 Audacex_{i,t} + +_2 Audind_{i,t} + +_3 SIZE_{i,t} + +_4 Debt_{i,t} + +_5 Loss_{i,t} + +_6 Bdind_{i,t} + +_7 Iown_{i,t} + +_8 Mown_{i,t}$$

رابطه (۳)

$$Q-Tobin_{i,t} = +_1 Audacex_{i,t} + +_2 Audind_{i,t} + +_3 SIZE_{i,t} + +_4 Debt_{i,t} + +_5 Loss_{i,t} + +_6 Bdind_{i,t} + +_7 Iown_{i,t} + +_8 Mown_{i,t}$$

در ادامه به تعریف و نحوه سنجش متغیرها می‌پردازیم.

متغیرهای وابسته

نرخ بازده دارایی (ROA)

نرخ بازده دارایی یکی از معیارهای عملکرد براساس رویکرد حسابداری تلقی می‌شود. بر مبنای این رویکرد، از ارقام ارایه شده در صورت‌های مالی به‌ویژه ترازنامه و صورت سود و زیان جهت ارزیابی عملکرد شرکت‌ها استفاده می‌شود. در واقع این نرخ میزان کارآیی مدیریت در بکارگیری منابع شرکت جهت تحصیل سود را نشان می‌دهد و از طریق نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود [۱].

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)

یکی دیگر از معیارهای عملکرد حسابداری که در بین استفاده‌کنندگان کاربرد فراوانی دارد، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام است. زیرا، این نرخ را می‌توان بر مبنای نسبت‌های سودآوری، گردش دارایی‌ها و اهرم مالی تجزیه و تحلیل نمود. با استفاده از نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام می‌توان نرخ بازده حقوق صاحبان سهام را محاسبه نمود [۱].

نسبت کیو توبین (Q-Tobin)

نسبت کیوتوبین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها براساس رویکرد تلفیقی به‌شمار می‌رود. این معیار ترکیبی از اطلاعات حسابداری و بازار را برای سنجش عملکرد بوده و به‌صورت لگاریتم نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی به مجموع دارایی‌های شرکت سنجش می‌شود [۱].

متغیرهای مستقل

آبرناتی و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که ایفای نقش کمیته حسابرسی به نحو مطلوب، مستلزم ترکیب مناسبی از ویژگی‌هایی است که اعضای این کمیته باید از آنها برخوردار باشند [۱۲]. به‌بیان‌دیگر ویژگی‌هایی مانند تخصص حسابداری، استقلال، اندازه، تعداد جلسه‌های این کمیته در طی سال و میزان تجربه اعضای آن ممکن است بر کارآیی و اثربخشی این کمیته تاثیرگذار باشند. اما در این پژوهش از میان ویژگی‌های مزبور تنها میزان تخصص حسابداری و استقلال اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دلیل عدم بررسی تعداد اعضای کمیته حسابرسی در این موضوع بود که از کل مشاهدات (۲۷۳ شرکت - سال) در ۲۶۲ از آنها (حدود ۹۶ درصد) تعداد اعضای کمیته حسابرسی ۳ نفر بوده که

حاکمی از حداقل اعضای این کمیته مطابق با منشور کمیته حسابرسی می‌باشد. از آنجایی که افزودن این متغیر به مدل به منزله یک متغیر ثابت قلمداد شده که تاثیری در مدل پژوهش نخواهد داشت لذا تعداد اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار نگرفت. همچنین در رابطه به سایر ویژگی‌ها مانند تجربه و تعداد جلسه در طی سال چون تعداد کمی از شرکت‌ها دارای ویژگی‌های مزبور بوده‌اند که این امر ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را با توجه به کاهش تعداد نمونه محدود نماید مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

تخصیص حسابداری کمیته حسابرسی (AUDACEX)

بازنگری ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که وجود مدیران دارای تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی منجر می‌شود تا نظارت بر مدیریت بطور کارآتری صورت گیرد که این امر از یک سو منجر به شناسایی مشکلات گزارشگری مالی و از سوی دیگر به ارزش شرکت می‌افزاید. بر این اساس، در این پژوهش میزان تخصص حسابداری کمیته حسابرسی برابر است با نسبت اعضای دارای مدرک حسابداری به مجموع اعضای کمیته حسابرسی شرکت *t* در سال *t*.

استقلال کمیته حسابرسی (AUDIND)

واژه استقلال در ادبیات راهبری شرکتی اغلب بعنوان جایگزینی برای شفافیت، افشای اطلاعات و بهبود عملکرد بکار گرفته شده است [۳۶]. ممکن است به خاطر همین موضوع باشد که در پژوهش‌های مرتبط با عملکرد شرکت‌ها، استقلال کمیته حسابرسی که تابع استقلال هیئت مدیره می‌باشد، بعنوان یکی از معیارهای تاثیرگذار بر آن مطرح می‌گردد. در این پژوهش، استقلال کمیته حسابرسی برابر است با نسبت اعضای غیرموظف کمیته حسابرسی به مجموع اعضای کمیته شرکت *t* در سال *t*.

متغیرهای کنترلی

استقلال هیأت مدیره (BDIND)

در این پژوهش، از تقسیم تعداد مدیران غیرموظف بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره اندازه‌گیری می‌شود.

درصد مالکیت مدیران (MOWN)

مالکیت مدیران به عنوان درصد سهامیکه توسط هیأت مدیره و مدیران نگهداری می‌شود، تعریف می‌شود. ارتباط مالکیت مدیران و عملکرد شرکت را می‌توان براساس دو فرضیه همسان‌سازی منافع و سلب مالکیت تبیین نمود. براساس تئوری همسوسازی منافع، هرچه درصد مالکیت مدیران در شرکت بیشتر باشد، منافع آنها با سهامداران همسو شده و عملکرد شرکت بهبود می‌یابد. اما براساس فرضیه سلب مالکیت ممکن است همواره شرایط بر طبق فرضیه همسان‌سازی منافع نیست. لین (۲۰۱۱) براساس این فرضیه بیان می‌کند، از آنجایی که مدیر کنترل درصد قابل توجهی از سهام را در اختیار دارد، به دلیل داشتن حق رای کافی، ارتباط نزدیک قیمت سهام با منافع شخصی مدیر و همچنین امنیت شغلی ممکن است با فعالیت‌هایی مانند مدیریت سود بر عملکرد شرکت تاثیر منفی بگذارد [۳۷]. در این

پژوهش درصد سهام در تملک مدیران از طریق تقسیم مجموع سهام در دست مدیران و هیأت مدیره بر کل سهام منتشره محاسبه می‌شود [۱۴].

درصد سهام در تملک سرمایه‌گذاران نهادی (IOWN)

مالکیت نهادی، درصد سهام نگهداری شده توسط سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است. بازنگری ادبیات حسابداری و مالی بیانگر دو دیدگاه درباره ارتباط سرمایه‌گذاران نهادی و عملکرد شرکت‌ها است. دیدگاه اول که مطابق با فرضیه نظارت فعال می‌باشد، سرمایه‌گذاران نهادی را سهامدارانی تلقی می‌کند که از قدرت پردازش اطلاعات برخوردار بوده به گونه‌ای که بر عملکرد شرکت تاثیر مثبت دارد. در مقابل، طرفداران دیدگاه دوم براساس فرضیه منافع شخصی بیان می‌کنند که چون این گروه از سرمایه‌گذاران به اطلاعات محرمانه شرکت‌ها دسترسی دارند، از انگیزه کمتری برای تشویق مدیران جهت بهبود عملکرد شرکت‌ها برخوردارند. در این پژوهش درصد سهام در تملک سرمایه‌گذاران نهادی را از طریق تقسیم مجموع سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی بر کل سهام منتشره اندازه‌گیری می‌شود [۱۴].

اندازه شرکت (SIZE)

مروری بر پژوهش‌های حسابداری و مالی نشان می‌دهد، یکی از عواملی که موجب ایجاد پارادوکس و مانع از تعمیم‌پذیری نتایج بعضی از این پژوهش‌ها گردیده، اندازه شرکت بوده است به طوریکه هرگاه پژوهشگران به دنبال تاثیر این عامل بر موضوع مورد بررسی‌شان بوده‌اند به نتایج مبهمی دست یافته‌اند. گواه این ادعا نتایج متناقض پژوهش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. بطور کلی ادبیات تحقیق مربوط به اندازه شرکت و عملکرد آنها نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ به دلیل ثبات بیشتر در برابر شرایط اقتصادی دارای عملکرد بهتر نسبت به شرکت‌های کوچک می‌باشند. در مقابل، شرکت‌های کوچک نیز به دلیل حساسیت بیشتر به شرایط اقتصادی و نوسان بازده سهام از عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های بزرگ برخوردارند [۲]. در این پژوهش از لگاریتم ارزش بازار سهام به‌عنوان معیار اندازه شرکت استفاده می‌شود.

نسبت بدهی (DEBT)

انتظار می‌رود نسبت بدهی به عنوان یک متغیر کنترلی بر عملکرد شرکت‌ها تاثیرگذار باشد. اگرچه مرور بیشتر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که نسبت بدهی بالاتری دارند، عملکرد ضعیفی از خود بروز می‌دهند، اما برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که میزان بالاتر بدهی ممکن است نشان از تعهد مدیر برای بهبود عملکرد شرکت به‌شمار رود [۲]. در این پژوهش جهت اندازه‌گیری این متغیر، مجموع بدهی بر کل دارایی‌ها تقسیم شده است [۱۴].

زیان (LOSS)

در این پژوهش به شرکت‌هایی که متحمل زیان شده‌اند، مقدار مجازی یک و در غیر این صورت مقدار صفر داده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش بر اساس اندازه شرکت در نگاره (۱) ارائه گردیده است. نتایج بیانگر این است که در بین معیارهای حسابداری ارزیابی عملکرد، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام از میانگین و انحراف معیار بالاتری نسبت به نرخ بازده دارایی برخوردار است. بیشترین میزان تخصص حسابداری یک و کمترین آن صفر بوده که وجود این فاصله بیانگر تنوع تخصص اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های نمونه است. نکته دیگری که از این نتایج می‌توان استنباط نمود این است که وجود حداقل علم مالی‌ای که منشور کمیته حسابرسی بر آن تاکید دارد در بعضی از شرکت‌های نمونه رعایت نشده است. میانگین استقلال کمیته حسابرسی نیز ۰,۵۹ بوده که این امر نشان می‌دهد بیش از نصف شرکت‌های نمونه حداقل از یک عضو غیرموظف در کمیته حسابرسی استفاده می‌کنند که با منشور کمیته حسابرسی همسو است. میانگین استقلال هیات مدیره ۰,۵۴ بوده که در مقایسه با استقلال کمیته حسابرسی کمتر می‌باشد. بطور کلی از نتایج آمار توصیفی متغیرها می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که میانگین و میانه متغیرها به هم نزدیک بوده و انحراف معیار کمی نیز دارند که این امر حاکی از نرمال بودن متغیرها می‌باشد.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
ROE	0.3870	0.3697	0.8583	0.0217	0.2095
ROA	0.1918	0.1472	0.7998	0.0103	0.1470
Q_TOBIN	3.0439	3.0373	3.8824	2.2145	0.3256
AUDACEX	0.7312	0.6667	1	0	0.3024
AUDIND	0.5969	0.6667	1	0	0.2552
BDIND	0.5471	0.5400	1	0.1	0.2450
DEBT	0.5672	0.5637	0.9633	0.1325	0.1884
IOWN	0.4483	0.3785	0.9490	0.0600	0.2610
LOSS	0.0667	0.0000	1	0	0.2499
MOWN	0.4835	0.6500	0.9800	0.1100	0.2319
SIZE	9.2531	9.1585	11.1807	8.0645	0.6676

همبستگی بین متغیرها

نتایج مربوط به همبستگی متغیرها در نگاره های ۲ تا ۴ براساس متغیرهای وابسته ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان تخصص کمیته حسابرسی با نرخ بازده دارایی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین به ترتیب ۰,۰۱ ، ۰,۰۴ و ۰,۱۱ بوده که در این بین متغیر تخصص بالاترین همبستگی را با نسبت کیوتوبین دارد. همچنین این نتایج در رابطه با استقلال کمیته به ترتیب ۰,۰۹ ، ۰,۱۱ و ۰,۲۶ است که مشابه با متغیر تخصص، استقلال نیز بالاترین همبستگی را نسبت کیوتوبین دارد.

نگاره ۲: همبستگی متغیر نرخ بازده دارایی با متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ROA.1	1								
AUDACEX.2	0.01	1							
AUDIND.3	0.09	0.08	1						
BDIND.4	0.09	0.01	0.07	1					
DEBT.5	-0.05	-0.05	0.06	-0.01	1				
IOWN.6	-0.03	-0.08	0.02	-0.02	-0.08	1			
LOSS.7	-0.23	0.03	0.03	0.06	0.27	-0.19	1		
MOWN.8	-0.04	0.04	0.03	-0.08	-0.11	-0.02	0.01	1	
SIZE.9	0.34	0.01	0.03	0.01	-0.16	-0.01	-0.15	0.04	1

نگاره ۳: همبستگی متغیر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام با متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ROE.1	1								
AUDACEX.2	0.04	1							
AUDIND.3	0.11	0.08	1						
BDIND.4	0.10	0.01	0.07	1					
DEBT.5	-0.17	-0.05	0.06	-0.01	1				
IOWN.6	-0.01	-0.08	0.02	-0.02	-0.08	1			
LOSS.7	-0.17	0.03	0.03	0.06	0.27	-0.19	1		
MOWN.8	-0.04	0.04	0.03	-0.08	-0.11	-0.02	0.01	1	
SIZE.9	0.33	0.01	0.03	0.01	-0.16	-0.01	-0.15	0.04	1

نگاره ۴: همبستگی متغیر کیوتوبین با متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
Q-Tobin.1	1								
AUDACEX.2	0.11	1							
AUDIND.3	0.26	0.08	1						
BDIND.4	0.06	0.01	0.07	1					
DEBT.5	-0.54	-0.05	0.06	-0.01	1				
IOWN.6	-0.05	-0.08	0.02	-0.02	-0.08	1			
LOSS.7	-0.25	0.03	0.03	0.06	0.27	-0.19	1		
MOWN.8	0.03	0.04	0.03	-0.08	-0.11	-0.02	0.01	1	
SIZE.9	0.21	0.01	0.03	0.01	-0.16	-0.01	-0.15	0.04	1

آمار استنباطی

نتایج آزمون فرضیه‌های مبتنی بر تحلیل رگرسیون در صورتی قابل اتکا می‌باشد که فرضیه‌های رگرسیون کلاسیک برقرار باشد. براساس نتایج آمار توصیفی و همچنین آماره جاکو برا می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. از آنجایی که داده‌ها به صورت مقطعی مورد آزمون قرار گرفته‌اند، وجود ناهمسانی واریانس در این نوع از داده‌ها اجتناب ناپذیر بوده که جهت رفع این مشکل از آزمون وایت و همچنین GLS استفاده شد.

قبل از اینکه تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها صورت گیرد نتایج برازش مدل نشان می‌دهد که در تمامی فرضیه‌ها آماره F در سطح اطمینان ۹۹٪ حاکی از معنادار بودن رگرسیون و نزدیکی آماره دوربین واتسون به عدد ۲ بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاص می‌باشد. همچنین آماره ضریب تعیین تعدیل شده در همه فرضیه‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌ها از توان مطلوبی برای تبیین متغیر وابسته برخوردار بوده که در این بین مدل مربوط به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر نسبت کیوتوبین بالاترین مقدار (۰,۴۳) را داشته است. همچنین آماره عامل تورم واریانس نیز برای سایر متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۱۰ بوده که حاکی از عدم وجود همخطی بین آنهاست.

فرضیه اول و دوم این پژوهش به ترتیب، ارتباط بین تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با نرخ بازده دارایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. همان گونه که نتایج این دو فرضیه در نگاه (۵) نشان می‌دهد ضریب متغیر تخصص حسابداری کمیته حسابرسی ۰,۰۲ و معنادار بوده که این یافته نشان می‌دهد میزان تخصص حسابداری کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معناداری با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. به عبارت دیگر، اگر میزان تخصص حسابداری کمیته حسابرسی یک واحد افزایش یابد، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ۰,۰۲ واحد افزایش می‌یابد. براین اساس فرضیه اول این پژوهش رد نمی‌شود. درباره ارتباط استقلال کمیته حسابرسی و نرخ بازده دارایی نتایج در نگاه (۵) نشان می‌دهد که ضریب استقلال کمیته حسابرسی ۰,۰۴ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. از این یافته می‌توان چنین نتیجه گرفت که به ازای یک واحد افزایش در مدیران غیرموظف کمیته حسابرسی، نرخ بازده دارایی ۰,۰۴ افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه دوم این پژوهش نیز رد نمی‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی نتایج به شرح زیر می‌باشد:

اگرچه از لحاظ آماری ارتباط بین استقلال هیات مدیره و نرخ بازده دارایی معنادار نبوده است اما علامت ضریب آن نشان می‌دهد که ممکن است این رابطه در شرکت‌های نمونه مثبت باشد که اندکی با نتایج استقلال کمیته حسابرسی همسو است. درباره ارتباط نسبت بدهی و نرخ بازده دارایی نیز نتایج نشان می‌دهد که علیرغم عدم وجود رابطه معنادار آماری، اما علامت ضریب آن با این دیدگاه که شرکت‌های با نسبت بدهی بالاتر عملکرد ضعیف‌تری دارند، مطابقت دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین سرمایه‌گذاران نهادی و نرخ بازده دارایی وجود ندارد. اما براساس علامت ضریب آن که منفی بوده می‌توان گفت که ارتباط سرمایه‌گذاران نهادی و نرخ بازده دارایی به‌عنوان معیاری از عملکرد

در شرکت‌های نمونه با فرضیه منافع شخصی همسو می‌باشد. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد ارتباط درصد مالکیت مدیران با متغیر وابسته منفی و معنادار بوده است. یعنی هر چه این درصد بیشتر باشد از نرخ بازده دارایی کاسته شده که حاکی از رویکرد فرضیه سلب مالکیت در مدیران شرکت‌های نمونه است. تفسیر متغیرهای لگاریتمی کمی متفاوت از سایر متغیرها بوده و با توجه به مفهوم کشش بیان می‌شوند. بدین صورت که اگر متغیر مستقل یک درصد تغییر نماید، متغیر وابسته به اندازه ضریب متغیر مستقل ضربدر $\ln(1/01)$ واحد تغییر می‌کند. بنابراین تفسیر متغیر اندازه شرکت به این صورت است که اگر ارزش بازار شرکت (به‌عنوان معیار اندازه) یک درصد افزایش یابد، نرخ بازده دارایی به میزان 0.03 واحد $(\ln(1/01) * 0.0396)$ افزایش می‌یابد. براین اساس می‌توان گفت که شرکت‌های بزرگ از عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های کوچک بورسی برخوردارند. در رابطه با متغیر دامی زیان نیز نتایج نشان داد که افزایش زیان بر عملکرد شرکت تاثیر منفی دارد.

نگاره ۵: نتایج آزمون فرضیه اول و دوم

متغیر وابسته: نرخ بازده دارایی‌ها					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس
AUDACEX	0.0206	0.0102	2.0263	0.0437	1.317
AUDIND	0.0492	0.0107	4.5916	0.0000	1.531
BDIND	0.0139	0.0106	1.3181	0.1886	1.316
DEBT	-0.016	0.0156	-1.0262	0.3057	1.822
IOWN	-0.018	0.0129	-1.4039	0.1615	1.511
LOSS	-0.032	0.0063	-5.1463	0.0000	1.911
MOWN	-0.039	0.0129	-3.0770	0.0023	1.833
SIZE	0.0396	0.0056	7.0099	0.0000	1.529
C	-0.231	0.0486	-4.7722	0.0000	NA
ضریب تعیین	۰,۳۲		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۳۰	
آماره F	۱۵,۵۱				
احتمال آماره F	۰,۰۰۰		آماره دوربین واتسون	۱,۹۹	

فرضیه سوم و چهارم این پژوهش به ترتیب، ارتباط بین تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام را مورد بررسی قرار می‌دهد. همان‌گونه که نتایج این دو فرضیه در نگاره (۶) نشان می‌دهد اگر چه ضریب متغیر تخصص حسابداری کمیته حسابرسی نسبت به فرضیه اول افزایش یافته است (۰,۰۴) اما از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. براین اساس فرضیه سوم این پژوهش رد می‌شود. نتایج ارتباط استقلال کمیته حسابرسی با نرخ بازده حقوق صاحبان نشان می‌دهد که ضریب استقلال کمیته حسابرسی ۰,۱۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. در مقایسه با فرضیه دوم، ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی از ۰,۰۴ به ۰,۱۵ افزایش یافته است. از این یافته می‌توان

چنین نتیجه گرفت که به ازای یک واحد افزایش در مدیران غیرموظف کمیته حسابرسی، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ۰,۱۵ افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه چهارم این پژوهش رد نمی‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی نتایج مشابه فرضیه‌های اول و دوم بوده با این تفاوت که نتایج مربوط به استقلال هیات مدیره و نسبت بدهی که در فرضیه‌های اول و دوم معنادار نبوده است، در فرضیه‌های سوم و چهارم معنادار هستند.

نگاره ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم و چهارم

متغیر وابسته: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس
AUDACEX	0.0425	0.0429	0.9911	0.3226	1.1
AUDIND	0.1544	0.0642	2.4040	0.0169	1.111
BDIND	0.1494	0.0495	3.0164	0.0028	1.053
DEBT	-0.159	0.0656	-2.4245	0.0160	1.111
IOWN	-0.033	0.047	-0.719	0.4728	1.062
LOSS	-0.042	0.0554	-0.7657	0.4445	1.123
MOWN	-0.092	0.0488	-1.8978	0.0588	1.025
SIZE	0.0878	0.0183	4.7971	0.0000	1.086
C	-0.330	0.1849	-1.7874	0.0751	NA
ضریب تعیین	۰,۱۸		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۱۶	
آماره F	۶,۹۸۹		آماره دوربین واتسون	۱,۷۲	
احتمال آماره F	۰,۰۰۰				

فرضیه پنجم و ششم این پژوهش به ترتیب، ارتباط بین تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با نسبت کیوتوبین را مورد بررسی قرار می‌دهد. همان‌گونه که نتایج این دو فرضیه در نگاره (۷) نشان می‌دهد ضریب متغیر تخصص حسابداری کمیته حسابرسی ۰,۰۹ و در سطح خطای ۱۰ درصد نیز معنادار است. به بیان دیگر به ازای یک واحد در تخصص حسابداری کمیته حسابرسی، نسبت کیوتوبین شرکت که یک معیار مبتنی بر رویکرد حسابداری و بازار برای سنجش عملکرد است، به اندازه ۰,۰۹ افزایش می‌یابد. براین اساس فرضیه پنجم این پژوهش رد نمی‌شود. نتایج ارتباط استقلال کمیته حسابرسی با نسبت کیوتوبین نشان می‌دهد که ضریب استقلال کمیته حسابرسی ۰,۴۸ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. در مقایسه با فرضیه دوم و چهارم، ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی در تبیین نسبت کیوتوبین بیش از دو معیار عملکرد دیگر بوده است. به عبارت دیگر استقلال کمیته حسابرسی بیشترین تاثیر را بر نسبت کیوتوبین داشته است. یعنی اگر تعداد مدیران غیرموظف کمیته حسابرسی یک واحد افزایش یابد، نسبت کیوتوبین به اندازه ۰,۴۸ افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه ششم این پژوهش رد نمی‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی نتایج مشابه سایر فرضیه‌ها بوده است.

نگاره ۷: نتایج آزمون فرضیه پنجم و ششم

متغیر وابسته: نسبت کیوتوبین					
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس
AUDACEX	0.0993	0.053	1.844	0.0663	1.053
AUDIND	0.4816	0.0702	6.855	0.0000	1.074
BDIND	0.0035	0.0640	0.055	0.9560	1.036
DEBT	-0.967	0.0859	-11.25	0.0000	1.111
IOWNGH	-0.090	0.0606	-1.494	0.1363	1.046
LOSS	-0.121	0.0690	-1.765	0.0787	1.121
MOWN	-0.001	0.0650	-0.026	0.9790	1.023
SIZE	0.0362	0.0234	1.548	0.1227	1.063
C	2.9388	0.239	12.295	0.0000	NA
ضریب تعیین	۰,۴۵		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۴۳	
آماره F	۲۶,۲۳۷۹		آماره دوربین واتسون	۱,۹۵	
احتمال آماره F	۰,۰۰۰۰				

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی ارتباط یکی از سازوکارهای مهم راهبری شرکتی یعنی کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت‌ها بوده است. به همین جهت رابطه بین میزان تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی به‌عنوان ویژگی‌های این کمیته با سه معیار عملکرد شرکت‌ها شامل نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کیوتوبین به‌صورت داده‌های مقطعی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون فرضیه‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

نتایج آزمون مربوط به بررسی فرضیه‌های اول و دوم نشان می‌دهد (نگاره ۵) که بین میزان تخصص حسابداری و استقلال اعضای کمیته حسابرسی با نرخ بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. که در این بین رابطه استقلال کمیته حسابرسی با نرخ بازده دارایی‌ها بیش از میزان تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی بوده است. همچنین نتایج فرضیه‌های سوم و چهارم (نگاره ۶) نیز حاکی از آن است که بین میزان تخصص حسابداری اعضا با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود ندارد درحالی‌که در مورد استقلال کمیته این ارتباط مثبت و معنادار بوده که بیش از فرضیه دوم می‌باشد. و در نهایت نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم (نگاره ۷) بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با نسبت کیوتوبین وجود دارد که مشابه با نتایج

مربوط به نرخ بازده دارایی‌ها، استقلال کمیته حسابرسی با نسبت کیوتوبین بیشترین رابطه مثبت را نشان می‌دهد. همچنین بررسی‌های تکمیلی نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بیشترین و کمترین ارتباط مثبت را به ترتیب با نسبت کیوتوبین و نرخ بازده دارایی داشته‌اند.

به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل استقلال و میزان تخصص حسابداری اعضای آن می‌تواند منجر به بهبود معیارهای عملکرد شرکت‌ها شوند که این یافته‌ها را می‌توان براساس نظریه علامت‌دهی تبیین نمود. بدین‌صورت که شرکت‌های دارای معیارهای عملکرد مطلوب‌تر ممکن است از ویژگی‌های کمیته حسابرسی برای پیام‌رسانی به بازار مبنی بر این‌که فرآیند نظارت و ارایه گزارشگری مالی برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران به نحو کارآتری انجام می‌گیرد و همچنین به‌عنوان یک ابزار ارتباطی مالی که تاثیر به‌سزایی در انتشار اطلاعات دارند، بهره‌گیرند. که نتایج مربوط به بررسی ارتباط میزان تخصص حسابداری و استقلال کمیته حسابرسی با نسبت کیوتوبین به‌عنوان معیاری که مبتنی بر اطلاعات حسابداری و بازار می‌باشد نیز تا حدی همسو با نظریه علامت-دهی می‌تواند تلقی گردد.

مهمترین محدودیت این پژوهش به عدم لحاظ ویژگی‌های بیشتر کمیته حسابرسی مانند اندازه، تعداد جلسه‌های این کمیته در طی سال و میزان تجربه اعضای آن مربوط می‌شود. دلیل عدم لحاظ تعداد اعضای کمیته حسابرسی در مدل این موضوع بود که از کل مشاهدات (۲۷۳ شرکت - سال) در ۲۶۲ از آنها (حدود ۹۶ درصد) تعداد اعضای کمیته حسابرسی ۳ نفر بوده که حاکی از حداقل اعضای این کمیته مطابق با منشور کمیته حسابرسی می‌باشد. از آنجایی‌که افزودن این متغیر به مدل به منزله یک متغیر ثابت قلمداد شده که تاثیری در مدل پژوهش نخواهد داشت لذا تعداد اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار نگرفت. همچنین در رابطه با سایر ویژگی‌ها مانند تجربه و تعداد جلسه در طی سال چون تعداد کمی از شرکت‌ها دارای ویژگی‌های مزبور بوده‌اند که این امر ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را باتوجه به کاهش تعداد نمونه محدود نماید، مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

یکی از مشکلات پژوهش حاضر مربوط به نحوه گردآوری اطلاعات مربوط به کمیته حسابرسی شرکت‌های نمونه بوده است که زمان زیادی صرف این امر گردیده است. درحالی‌که در کشورهای صاحب سبک در حوزه مالی به دلیل دسترسی آسان به اطلاعات شرکت‌ها، جمع‌آوری این اطلاعات نیاز به زمان کمتر اما در مقابل تجزیه و تحلیل نتایج مبتنی بر تمرکز بیشتری می‌باشد.

اگرچه نتایج این پژوهش بیانگر وجود رابطه مثبت بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و معیارهای عملکرد شرکت‌ها بوده و منجر به گسترش مبانی نظری ادبیات مزبور گردیده است اما به‌جهت این‌که کمیته حسابرسی سازوکار نظارتی و کنترلی نوظهوری در فرآیند انتشار اطلاعات به بازار قلمداد می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری در رابطه با موضوع تحقیق و همچنین سایر موضوعات مالی صورت گیرد. همچنین باتوجه به نتایج مربوط به استقلال کمیته حسابرسی که حاکی از وجود رابطه مثبت و بیشتر با معیارهای عملکرد بوده است پیشنهاد می‌شود که حداقل اعضای این کمیته ۵ نفر شوند تا بدین‌صورت بر استقلال این کمیته نیز افزوده گردد.

فهرست منابع

۱. آذربایجانی، کریم، سروش یار، افسانه، یاریان کوپائی، سمانه. (۱۳۹۰). "جستجوی بهترین معیار عملکرد مالی". **مجله حسابرس**، شماره ۵۲.
۲. اسدی، مرتضی، صدری نیا، مصطفی. (۱۳۹۳). "تاثیر اندازه شرکت، بتا و اهرم مالی بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (به تفکیک گروه های صنعتی)" **فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی**، شماره ۱۹ بهار. صص ۱۷۴-۱۴۹.
۳. بنی فاطمه، داوود، مقتدر کارگران، جواد، پرگر، لیلا، پرگر، بتول، (۱۳۹۴). "ارزیابی نقش کمیته های حسابرسی داخلی در بهبود عملکرد مالی و وضعیت مالی، مطالعه موردی: شرکت ایدم" **سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و حسابداری**.
http://www.civilica.com/Paper-NDMCONF03-NDMCONF03_045.html
۴. تختایی، نصراله، تمیمی، محمد، موسوی، زهرا، (۱۳۹۰). "نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی"، **مجله حسابدار رسمی**. شماره ۱۵.
۵. جامعی، رضا، رستمیان، آزاده، (۱۳۹۵). "تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده"، **فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی**، دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۶. رویایی، رمضانعلی، ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر ویژگی های کمیته ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق" **فصلنامه حسابداری مالی**، ۷ (۲۵): ۷۱-۸۸.
۷. سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱). **منشور کمیته حسابرسی**، شرکت سهامی عام نمونه، new.tse.ir
۸. فخاری، حسین، محمدی، جواد، نتاج کردی، محسن حسن، (۱۳۹۴). "بررسی اثر ویژگیهای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی" **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، شماره ۴۶.
۹. مهدوی، غلامحسین، کریمی پور، عیسی، (۱۳۹۱). "پانزده راهکار پیشنهادی برای افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی" **فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال اول، شماره ۱.

10. Abbott, J.L., Parker, S., Peter, F.G., Raghunandan, K. (2010). "An Empirical Investigation of Audit Fees, Nonaudit Fees, and Audit Committees". **Contemporary Accounting Research**, DOI: 10.1506/8YP9-P27G-5NW5-DJKK.

11. Abbott J, L ., Parker, S., Peters, F. G., Raghunandan, K.. (2003). "The Association between Audit Committee Characteristics and Audit Fees". **AUDITING: A Journal of Practice & Theory**, Vol. 22, No. 2, pp. 17-32
12. Abernthy,j., eg.al.(2013)." Audit committee Financial Expertise and Properties of Analyst Earnings Forecasts". **Journal of Advance in Accounting**. 29(spring),PP. 1-11
13. Abernathy, J. L., Beyer, B., Masli, A., stefaniak, C. (2014). "The association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness, **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiac.2014.09.001>.
14. Al-Dhamari, R.A., Ismail, K.N.I. (2013), "An Investigation into the Effect of Surplus Free Cash Flow, Corporate Governance, Firm Size on Earnings Predictability". **International Journal of Accounting and Information Management**, Vol. 22, No. 2, 118-133.
15. Alzeban , A ., sawan , N . (2015). "The impact of audit committee characteristics on the implementation of internal audit recommendations".**Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, Volume 24, 2015, Pages 61–71.
16. Amer , m., Ragab ,A, A., Shehata ,Sh,E . (2014). "Audit Committee Characteristics and Firm Performance: Evidence from Egyptian Listed Companies". Proceedings of 6th Annual American Business Research Conference 9 . Sheraton LaGuardia East Hotel , New York, USA, ISBN: 978-1-922069-52-8
17. Archambeault , S., Todd DeZoort F, Dana ,R, H .(2008). "Audit Committee Incentive Compensation and Accounting Restatements". **Contemporary Accounting Research** .25, (1).
18. Bergelljk.R. (1989). "Success and failure of economic sanction". Kyros journal.
19. Black, B, S., Love, I. Rachinsky, A. (2006)."Corporate governance indices and firms market values: time series evidence from Russia". **Emerging Markets Review**, vol. 7, pp. 361-379.
20. Blue Ribbon Committee. (1999). "Report and recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees". **The Business Lawyer**, vol. 54, no. 2, pp. 1067-1095.
21. Bouaziz , Z . (2012). "The Impact of the Presence of Audit Committees on the Financial Performance of Tunisian Companies". **International Journal of Management & Business Studies**, www.ijmbs.com. ISSN: 2230-2463.

22. Bushman, R. M., Smith, A. J. (2001). "Financial Accounting Information and Corporate Governance". **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 32, pp. 237-333.
23. Cai, C. X., Hillier, D., Tian, G., Wu, Qinghua.(2015) . "Do Audit Committees Reduce the Agency Costs of Ownership Structure".**Pacific-Basin Finance Journal**, doi: 10.1016/j.pacfin.2015.01.002.
24. Carcello, J., Hollingsworth, C., & Neal, T. (2006). "Audit committee financial experts: A closer look using firm designations". **Accounting Horizons**, 20(4), 351-373.
25. Defond, M. L., Hann, R. N., and X.S. Hu. (2005). "Does the Market Value Financial Expertise on Audit Committees of Boards Of Directors?" **Journal of Accounting Research**, Vol. 43, pp. 153-193.
26. Dhaliwal, D., Naiker, V., Navissi, F. (2010). "The Association between Accruals Quality and the Characteristics of Accounting Experts and Mix of Expertise on Audit Committees." **Contemporary Accounting Research**, 27(3), 787-827.
27. Fang, V. W., Noe, T. H., & Tice, S. (2009). Stock Market Liquidity and Firm Value. *Journal of Financial Economics*, 150-169.
28. Farber, D. (2005). "Restoring Trust after Fraud: Does Corporate Governance Matter?". **The Accounting Review**, 80 (2), PP.539 -561.
29. Joseph, V., Carcello and Terry L. Neal .(2003). "Audit Committee Characteristics and Auditor Dismissals following "New" Going-Concern Reports". **The Accounting Review**, Vol. 78, No. 1, pp. 95-117.
30. Karamanou, I ., Vafeas, N.(2005). "The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis". **Journal of Accounting Research**, Vol. 43, pp. 453-486.
31. Kamel Madi, H. , Ishak, Z. , Abdul Manaf, N . (2014). "The impact of audit committee characteristics on corporate voluntary disclosure". **International Conference on Accounting Studies**, ICAS 2014, 18-19, Kuala Lumpur, Malaysia.
32. Klein, A. (2002). "Audit committee, board of director characteristics, and earnings management".**Journal of Accounting and Economics**, 33, 375-400.
33. Konchitchki, Y. (2009). Inflation and Nominal Financial Reporting: Implications for Performance and Stock Prices. WWW.SSRN.COM
34. Krishnan, G. V., Visvanathan, G. (2008). "Does The SOX Definition Of An Accounting Expert Matter? The Association between Audit Committee Directors, Accounting Expertise and Accounting Conservatism". **Contemporary Accounting Research**, Vol. 25, pp. 827-858.
35. Lawrence, D. B., Marcus, L. C. (2004). "Corporate Governance and Firm Performance". **Working Paper, Georgia State University**.

36. Lennox, C, S., Park, C, W. (2007). "Audit Firm Appointments, Audit Firm Alumni, And Audit Committee Independence". **Contemporary Accounting Research**, Vol. 24, pp.235-257.
37. Lin, F. L., (2011) "Is Earnings Management Opportunistic or Beneficial in Taiwan? Application of Panel Smooth Transition Regression Model". **International Journal of Economics and Finance**, Vol. 3, No. 1; February 2011.
38. Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M. and Abdol, N. (2014). "Influence of Audit Committee Characteristics on Voluntary Ethics Disclosure". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 330 – 342.
39. Wakaba, R. (2014). "Effect of audit committee characteristics on financial performance of companies listed at the Nairobi securities exchange". REG NO: D61/68129/2011.

سایت رسمی www.iaaaar.com

تلفکس ۴۴۸۴۴۷۰۵ – ۴۴۸۴۴۹۷۵

پست الکترونیک iranianiaa@yahoo.com

سایت انجمن حسابداری ایران www.iranianaa.com



The Relationship between Audit Committee Characteristics and Performance Metrics

Behdad khoeini¹(PhD)

PhD of Commercial Management, University of Semnan, Iran

Mohsen Faghih²

Master of Accounting, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Mehrdad Shafiee³©

Master of Accounting in University of Parandak, Iran

(Received: 18 April 2016; Accepted: 16 July 2016)

Audit Committee is one of corporate governance that there are very little evidence about the role and characteristics in evaluating business unit performance. Hence, the purpose of this study was to investigate the relationship between audit committee characteristics and performance metrics. Accordingly, information of the 91 companies listed on the Tehran Stock Exchange during 1391-1393 have cross-sectional. The results indicated that there is a significant negative relationship between the independence and expertise of accounting, audit committee members with performance metrics including return on assets, return on equity and Tobin's Q ratio.

Keywords: Audit Committee, Accounting Expertise, Independence of Audit Committee, Performance Metrics.

¹khbehdad48@yahoo.com

²mohsen.faghih65@yahoo.com

³mehrdad.shafiee123@gmail.com ©(Corresponding Author)